

### متن پرسش

سلام علیکم وقتتان بخیر: ان شاء الله سلامت و موفق باشید. علت اینکه در آثار شهید آوینی (ره) بویژه کتاب حلزون های خانه به دوش و ایضاً آثار و یادداشت های حضرتعالی چنین تعبیری مطرح می گردد که «روشن فکر در همه جای دنیا محکوم به سرنوشتی نیهیلیستی است اما در این مرز و بوم، انتلکتوئل در مقام نفی می ماند و کارش به نفی در نفی و اثبات نمی کشد و به نحوی حتی منکر ذات خویش می شود»، چیست؟ با چه برهان و افقی از منظر حکمت معنوی شهید آوینی و حضرتعالی، این بحث که عاقبت محتوم همه روشن فکران که چه بسا بتوان از آنها بعنوان پیامبران عصر و گفتمان مدرنیته نام برد، نیست انگاری و نیهیلیسم است و در چنین فضایی غوطه ور می گردند، مطرح می شود؟ در خود جهان غرب کتبی مانند «روشن فکران و شکست در پیامبری» که دکتر حسین کچویان هم آن را ترجمه به فارسی کرده اند، مطرح شده و به نوعی دقت به این مسئله پیش آمده ولی شهید آوینی با آن بیان شورمندان و حکیمانه شان و از دریچه حکمت معنوی انقلاب اسلامی، روزنه دیگر و متعمقانه تر از خود آنچه امروز بعض غربیان به آن توجه کرده اند را مطرح نمودند.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث در سوبژه شدن انسان است برای خود و این که در این منزل، اگر انسان با محتوایی درست به اصالت های انسانی خود جواب ندهد؛ مانند ظرفی است که تهی مانده است. در این رابطه مطالبی تحت عنوان «راز نیست انگاری بشر جدید و راه عبور از آن» تنظیم شده است و به صورت مقدمه ای در دو جلسه ای اخیراً باب آن باز شد <https://eitaa.com/matalebevijeh/13805> و در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»، بحثی با عنوان «نظر به ظرفیت های بشر جدید و راه معنابخشی به آن در افق تمدن اسلامی» <https://eitaa.com/matalebevijeh/138176> عرضه شد. باشد که مقدمه ای گردد برای عرایضی که در پیش است. موفق باشید